

بررسی تطبیقی اقتصاد تعاونی با اقتصاد سرمایه‌داری و اقتصاد اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۶/۲۰

تاریخ تأیید: ۱۳۸۹/۱/۳۰

احمدعلی یوسفی*

چکیده

مطابق اصول اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اقتصاد تعاونی در کنار بخش خصوصی دولتی به صورت یکی از بخش‌های سه‌گانه اقتصاد ایران تعیین شده است، یکی از پرسش‌های اساسی که از زمان تصویب قانون تا به امروز مطرح بوده است، جایگاه اقتصاد تعاونی در نظام‌های اقتصادی است. آیا اقتصاد تعاونی به عنوان نظام تمام‌عیار اقتصادی در عرض نظام‌های سرمایه‌داری، سوسیالیسم و اسلام مطرح است؟ یا آنگونه که برخی ادعا کرده‌اند یکی از زیربخش‌های اقتصاد سرمایه‌داری یا شکل رقیق‌شده سوسیالیسم است؟ نسبت آن با اقتصاد اسلامی چیست؟ و آیا می‌تواند به صورت بخشی از نظام اقتصادی اسلام استفاده شود.

در مقاله پیش‌رو، به روش توصیفی تحلیلی و با مقایسه آموزه‌های اقتصاد تعاونی با نظام سرمایه‌داری مشخص می‌شود که اقتصاد تعاونی با نظام سرمایه‌داری به لحاظ مبانی، کارکردی و نیز نتیجه‌های حاصل شده، تفاوت‌های اساسی دارند. به گونه‌ای که آن‌دو را می‌توان دو نظام اقتصادی به‌طور کامل متباین دانست اما میزان دوری آن از آموزه‌های اسلامی به مراتب کم‌تر است. به این علت با استفاده از آموزه‌های اسلامی می‌توان اصلاح‌هایی در آن انجام داد و کاستی‌های آن را برطرف کرد و به‌عنوان یکی از زیربخش‌های نظام اقتصادی اسلام دانست.

واژگان کلیدی: اقتصاد تعاونی، نظام اقتصاد سرمایه‌داری و نظام اقتصادی اسلام.

طبقه‌بندی JEL: P13, P12, P51 Z12

Email: Yosofy1339@Yahoo.com.

*. دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مقدمه

بعد از اجرای موفق اقتصاد تعاونی در برخی نقاط جهان، طرفداران اقتصاد سرمایه‌داری کوشیدند چنین القا کنند که اقتصاد تعاونی جدا از اقتصاد سرمایه‌داری نیست. از سوی دیگر، طرفداران اقتصاد سوسیالیسم با سرسختی مدعی بودند که اقتصاد تعاونی هیچ ربطی به اقتصاد سرمایه‌داری ندارد و در اساس اقتصاد تعاونی برای مبارزه با اقتصاد سرمایه‌داری و برای رفع مشکل‌های آن پدید آمده است و اصول و ارزش‌های آن با مبانی و ارزش‌های اقتصاد سرمایه‌داری ناسازگار است. در پی این نزاع یک پرسش جدی مطرح شد: آیا اقتصاد تعاونی بخشی از اقتصاد سرمایه‌داری شمرده می‌شود یا با آن تفاوت داشته و خود نظامی دیگر است؟

این پرسش هنگام تصویب اصول اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز نمایان بود و هنوز هم پرسش جدی است. اکنون که نظام جمهوری اسلامی ایران در صدد واگذاری اقتصاد بخش دولتی به بخش خصوصی و تعاونی می‌باشد، لازم است به این امر توجه مضاعف شود. به نظر می‌رسد بخشی از ناکامی‌های بخش تعاونی اقتصاد ایران ناشی از عدم پاسخ روشن به این پرسش بوده است. اگر پاسخ این پرسش به‌طور دقیق روشن نشود، ممکن است اجرای اصول و ارزش‌های تعاونی به‌دست کسانی بیافتد که هیچ باوری به آن ندارند یا تمایز آن را با مبانی و ارزش‌های نظام سرمایه‌داری درست درک نکنند. تحقیق پیش‌رو در صدد است تا نشان دهد که نظام سرمایه‌داری از نظر مبانی، ارزش‌ها، اصول، کارکرد و نتیجه‌های حاصل از آنها، از اقتصاد تعاونی متمایز است.

آموزه‌های اقتصاد تعاونی نیز با کاستی‌های نظری روبه‌رو است و آموزه‌های اسلامی می‌تواند برخی نقیصه‌های نظری اقتصاد تعاونی را برطرف سازد. همچنین، برخی موارد مانند ربا را از آن حذف و زمینه توسعه آن را فراهم کند. با توجه به مطالب پیشین، فرضیه تحقیق عبارت است از:

۱. اقتصاد سرمایه‌داری با اقتصاد تعاونی تمایزهای اساسی دارد، به گونه‌ای که می‌توان آن دو را در عرض هم و دو نظام دانست؛
۲. آموزه‌های اسلامی می‌تواند کاستی‌های نظری اقتصاد تعاونی را برطرف کرده و با حذف مواردی مانند ربا، زمینه توسعه آن را در عرصه بین‌المللی فراهم کند.

روش تحقیق مقاله، توصیفی تحلیلی بوده و گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. بنابراین، متن اصلی تحقیق، تحلیل محتوای منابع اقتصاد تعاونی و سرمایه‌داری و مدارک و مآخذ اسلامی است که با تحلیل‌های عقلی و بهره‌گیری از روش‌های عقلایی، هدف‌های مقاله دنبال می‌شود.

ادبیات و پیشینه بحث

تعاون‌طلبان راچدیل براساس اصول و ارزش‌هایی، تعاونی را در سال ۱۸۴۴ میلادی بنا نهادند تا از مفاسد اقتصاد سرمایه‌داری و سوسیالیستی به دور باشند. ابتدا طرفداران اقتصاد سرمایه‌داری و سوسیالیست‌های تخیلی تعاون‌طلب با آنان مخالفت کردند اما پس از کامیابی‌های آنان در حل مشکل‌های اقتصادی، طرفداران هر دو نظام، تعاونی را از لحاظ ماهیت متناسب به نظام خود دانستند (طالب، ۱۳۷۶: ۶۹ - ۶۱). بررسی تمایزهای جدی اقتصاد تعاونی با اقتصاد سوسیالیستی به مجال دیگری واگذار می‌شود. مقاله پیش‌رو فقط تمایزهای اقتصاد تعاونی را با نظام سرمایه‌داری بررسی می‌کند.

پس از تشکیل اتحادیه بین‌المللی تعاونی (۱۸۹۵م) یکی از بحث‌های مهم، بحث درباره ماهیت اقتصاد تعاونی بود. در سال ۱۹۰۴ میلادی در کنگره بین‌المللی تعاون درباره این پرسش «آیا طبیعت تعاونی‌ها سرمایه‌داری است؟» اختلاف‌نظر جدی مطرح شد. در پاسخ، سه دیدگاه مطرح شد:

۱. تعاونی حد وسط بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم است؛

۲. تعاونی‌ها مخالف سرمایه‌داری هستند؛

۳. تعاونی‌ها جزیی از نظام سرمایه‌داری است.

این کنگره بدون پاسخ روشنی درباره ماهیت تعاونی‌ها پایان یافت (داویدویچ، ۱۳۴۷: ۳۲).

فرانس هلم (Franse Helm) باور داشت که در اکثر محافل ملی و بین‌المللی که در جست‌وجوی یافتن حقیقت تعاونی هستند، بحث‌های شدیدی درباره ماهیت تعاونی و اصول حاکمه بر آن درگرفته است. وی با تصریح بر اقتصادی‌بودن تعاونی و با تأکید بر اینکه ماهیت تعاونی، سرمایه‌داری و سوسیالیستی نیست، آن را با اصول موردنظر تعاونی معرفی می‌کند (هلم، ۱۳۴۹: ۸).

بحث درباره جایگاه اقتصاد تعاونی نسبت به اقتصاد نظام سرمایه‌داری همچنان ادامه

یافت و در کنگره سال ۱۹۱۳ میلادی بدون اینکه به پاسخ روشنی برای پرسش پیش گفته دست یابند، اعلام شد که در اتحادیه بین‌المللی تعاون به سوی تمام تعاونی‌های حقیقی باز است. در کنگره ۱۹۳۷ در پاریس وقتی پاسخ پرسش پیش گفته روشن نشد، اصولی برای تعاون به تصویب رسید و اعلام شد که هر سازمانی بخواهد تعاونی قلمداد شود و عضو اتحادیه بین‌المللی تعاون شمرده شود، باید این اصول را رعایت کند. سرانجام، اتحادیه بین‌المللی تعاون در سال ۱۹۹۵ هویت تعاونی را بیان کرد که در بحث آموزه‌های تعاونی بیان خواهد شد (دیویدویچ، ۱۳۴۷: ۴۰ - ۲۸).

برخی از محققان باور دارند که در کشورهای سرمایه‌داری مانند آمریکا آنچه به عنوان تعاونی‌ها فعالیت می‌کنند، تعاونی‌های کاذب و جعلی هستند که به وسیله سرمایه‌داران برای به انحراف کشاندن تعاونی‌های حقیقی است (طالب، ۱۳۷۶: ۱۱ و کالن، ۱۳۵۰: ۲، ۱۹۶).

ابهام درباره جایگاه اقتصاد تعاونی در مذاکره‌های مجلس خبرگان قانون اساسی نیز آشکار است (روابط عمومی مجلس شورای اسلامی ایران، ۱۳۶۴: ۳، ۱۵۶۸ - ۱۵۲۳). شهید بهشتی علیه السلام هنگامی که درباره ماهیت تعاونی به عنوان نظام، بخش یا روش بحث می‌کند، با تردید جدی چنین می‌گوید:

«در نظام تعاونی یا بگویید بخش تعاونی یا شیوه تعاونی، من فکر نمی‌کنم، بشود بگوییم نظام تعاونی شاید صحیح‌تر این است که بگوییم شیوه تعاونی» (وزارت تعاون، ۱۳۷۴: ۵). به‌رغم این‌گونه اظهارنظر، مطالبی که در ادامه بیان می‌کند، اقتصاد تعاونی را در حد یک نظام مطرح می‌کند.

به نظر می‌رسد، با توجه به ویژگی‌های اقتصاد تعاونی، درک آن به عنوان نظام اقتصادی در عرض نظام سرمایه‌داری برای سردمداران باهوش نظام سرمایه‌داری امر دشواری نبود اما اعتراف به این امر، لوازمی در پی داشت که هرگز آنان ملتزم به آن نمی‌شدند. به این علت به جای اعتراف، ترجیح دادند با تأسیس تعاونی‌های کاذب، آن را به انحراف بکشانند.

آموزه‌های اقتصاد تعاونی

درک درست بُعدهای اقتصاد تعاونی بدون توجه به خواستگاه تاریخی آن و نیز سیر تحول‌های نظریه‌های گوناگونی که در طول تاریخ درباره آن شکل گرفته است، امر مشکلی است (اسمیت، ۱۳۴۹: ۲۵۴). بعد از انقلاب صنعتی، اقتصاد از شکل سنتی خارج و

واحدهای تولیدی با تولیدهای فراوانی روبه‌رو شدند. براساس تابع تولید $Q=F(L, K)$ نیروی کار (نیروی کار ساده و متخصص) و سرمایه (نقدی و غیرنقدی) دو عامل تولید هستند. q شامل تمام کالاها و خدمات تولیدی است. آنگاه، این پرسش مطرح شد که هر کدام از عامل‌های تولید- سرمایه و نیروی کار - نسبت به این تولیدها چه سهمی دارند؟ این تابع یکی از اساسی‌ترین تابع و این پرسش نیز یکی از مهم‌ترین پرسش در اقتصاد است. نوع پاسخ به این پرسش در تعیین نوع نظام اقتصادی بسیار اثرگذار است. اقتصاد سرمایه‌داری براساس مبانی بینشی و ارزشی خود و بر پایه اصول متخذ از آن مبانی (اصالت فرد، اصالت مالکیت فردی مطلق، اصل آزادی مطلق اقتصادی، اصل رقابت اقتصادی و اصل عدم مداخله دولت در روابط اقتصادی مردم)، در عمل به این سمت رفت که تمام مازاد تولید، اختصاص به سرمایه دارد و نیروی کار فقط دستمزد ثابت دریافت می‌کند. در حقیقت مالکیت ابزار تولید و نیز محصول تولید و مدیریت تمام فرایند اقتصادی به سرمایه اختصاص پیدا کرد. در نتیجه، منزلت انسان در روابط جدید اقتصادی به شدت تنزل کرد و سرمایه که در اختیار افراد خاصی قرار گرفته بود، جایگاه رفیعی یافت. به این صورت نظام اقتصاد سرمایه‌داری شکل گرفت.

سرمایه‌داران، قدرت سیاسی جامعه را نیز در اختیار داشتند و کارگر در چانه‌زنی برای تعیین سهم، ناتوان بود و برای زنده ماندن شرایط کارفرما را که حداقل سهم از تولید بود، باید می‌پذیرفت. از سوی دیگر، دولت و هیچ نهاد دیگری حق دخالت در تعیین روابط اقتصادی بین انسان و بین سرمایه و سود را نداشت. وضعیت پیش‌گفته باعث شد ثروت و دارایی جامعه در دست افراد اندکی جمع شود و در طرف دیگر، خیل گرسنگان کارگر قرار گیرند (ژید و ژیست، ۱۳۷۰: ۱، ۲۷۴ - ۲۶۹). نظام سرمایه‌داری بر پایه اصول خود این‌گونه القا می‌کرد که گرسنگی صدها هزار کارگر، قانون طبیعی و اجتماعی است و صاحب سرمایه از نظر اخلاقی حق دارد در جهت کسب سود بیشتر، حداکثر بهره‌کشی را از کارگر به عمل آورد (فروم، ۱۳۸۵: ۱۱۰). در بسیاری از کارخانه‌ها، سرمایه‌داران برای کاهش دستمزد ترجیح می‌دادند از زنان و اطفال استفاده کنند (پالمر، ۱۳۸۳: ۱۲).

در وضعیت پیش‌گفته، تولیدها فزونی، و قدرت خرید کارگران کاهش پیدا کرده بود و اقتصاد دچار رکود شد و کارفرمایان به ناچار کارگران را گروه گروه از کارگاه‌های تولیدی

اخراج کردند (ژید و ژیست، ۱۳۷۰: ۱، ۲۷۲). به این ترتیب، فقر، مسکنت و بحران‌های اقتصادی، افکار عمومی را به خود متوجه می‌ساخت و باعث نگرانی می‌شد.

ابتدا مردم شورش کردند. این روش برخورد، ثمره چندانی نداشت. سرانجام صاحب‌نظرانی که به نام «مصلحین اجتماعی» نام گرفته بودند، نظریه‌هایی درباره اصلاح وضعیت اقتصادی و اجتماعی کارگران ارائه دادند. از سردمداران این گروه، رابرت اون، شارل فوریه و لویی بلان بودند. آنان باور داشتند رقابت به سود سرمایه‌داران بزرگ بوده و به انحصار خواهد انجامید. آنان خواهان رقابت و همچنین انحصار نبودند؛ به همین جهت یگانه وسیله حذف رقابت را با حفظ آزادی و مقتضیات تولید، در سازمان‌های تعاونی می‌جستند. گروه پیش‌گفته طرح‌های فراوانی برای پدیدساختن تعاونی‌های موردنظر خود ارائه دادند. اکثر طرح‌های آنها به شکل سوسیالیستی و غیرواقعی بود، در نتیجه موفقیتی نداشتند (همان: ۱، ۴۱۵ - ۳۷۱؛ پل روی، ۱۳۴۹: ۴۸ و ۴۹؛ بازارگارد، ۱۳۸۲: ۹۳۰ - ۹۲۷؛ طالب، ۱۳۷۶: ۵۳ - ۲۸ و قدیری‌اصلی، ۱۳۶۸: ۲۶۹ - ۲۶۳). گروه دیگر که به آنان تعاون‌طلبان راجدیل گفته می‌شد، بر اساس اصول و ارزش‌هایی تعاونی را در سال ۱۸۴۴ میلادی بنا نهادند تا از مفاسد نظام سرمایه‌داری و سوسیالیسم دور باشند. در اقتصاد تعاونی جدید، مالکیت خصوصی، ضمن مشاع و اشتراکی بودن، محترم شمرده می‌شود. همه انسان‌های فعال، منزلت انسانی دارند، مالک محصول زحمت‌های خود هستند و به‌گونه‌ای با هم رقابت نمی‌کنند تا جامعه دچار مفاسد پیش‌گفته شود. این گروه، نخستین گروه کامیاب در تشکیل تعاونی است که تجربه موفق آنان با استقبال روبه‌رو شده و در کشورهای دیگر مورد استفاده قرار گرفته و اصول و ارزش‌های آن به‌طور کامل متفاوت از مبانی سرمایه‌داری و سوسیالیسم بود و زیربنای اصول تعاونی جهانی واقع شد (طالب، ۱۳۷۶: ۸۵؛ مجموعه گفتارهای تعاونی، ۱۳۵۲: ۴۷ - ۴۷۵ و کراپ، ۱۳۸۵: ۴۰). پیشرفت و تحول در تعاون، بعد از پیشگامان راجدیل، همچنان ادامه یافت و شکل بین‌المللی به خود گرفت و اتحادیه بین‌المللی تعاون تأسیس شد. این اتحادیه، نفوذ فراوانی در سراسر جهان و در محافل تعاونی پیدا کرد و در بسیاری مواقع، طرف مشورت دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفت. در سال ۱۹۶۰ میلادی، اعلام شد که اتحادیه تمام‌اهتمام خود را برای جایگزینی نظام تعاونی به جای نظام سودجویی به کار می‌بندد و هدف‌های ذیل را دنبال می‌کند:

۱. نمایندگی تمام تعاونی‌های جهان که از اصول اتحادیه تبعیت کنند؛
۲. تبلیغ اصول و روش‌های تعاونی در سراسر جهان؛
۳. توسعه تعاونی در تمام کشورها؛
۴. حراست از منافع تعاون به هر شکل ممکن؛
۵. استقرار روابط حسنه بین سازمان‌های وابسته؛
۶. ترویج روابط دوستانه و اقتصادی، در سطح ملی و بین‌المللی، بین انواع سازمان؛
۷. اهتمام به برقراری صلح و امنیت پایدار (دیویدویچ، ۱۳۴۷: ۲۶ و ۲۷ و وزارت تعاون و امور روستاها، ۱۳۵۳: ۲۴۸ - ۲۴۵).

اما پس از فروپاشی نظام کمونیستی شوروی و تک‌قطبی شدن جهان و نفوذ یک‌جانبه نظام سرمایه‌داری در جریان تعاونی، اتحادیه بین‌المللی تعاون در سال ۱۹۹۵ بیانیه‌ای صادر کرد و هویت تعاونی را در حد شرکت تعاونی تنزل داد و آن را چنین بیان کرد:

تعریف

تعاونی‌ها، اجتماع مستقل اشخاصی است که به منظور تأمین نیازها و هدف‌های مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود، از راه اداره و نظارت دموکراتیک مؤسسه‌ای با مالکیت مشاع، با همدیگر به صورت اختیاری توافق کرده‌اند.

ارزش‌ها

تعاونی‌ها بر ارزش‌های خودیاری، دموکراسی، برابری، انصاف و اتحاد استوار هستند. اعضای تعاونی به ارزش‌های اخلاقی صداقت، آزادی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و دگرخواهی باور دارند. همچنین برای تحقق ارزش‌ها، اصولی را معرفی کرد که در بحث‌های آتی این اصول با توضیح‌های لازم بیان می‌شود.

نویسنده با بررسی در منابع تعاونی به این نتیجه رسیده است که واژه تعاون می‌تواند در چهار معنا به کار رود که عبارت هستند از:

۱. تعاون به عنوان اصل رفتاری؛
۲. شرکت‌های تعاونی مبتنی بر اصل رفتاری تعاون؛
۳. بخش تعاونی در کنار بخش دولتی و خصوصی؛
۴. نظام اقتصادی مبتنی بر اصل تعاون.

از آنجا که نوشتار حاضر درصدد است تا نشان دهد اقتصاد تعاونی با توجه به ویژگی‌هایش در برابر نظام سرمایه‌داری، نظامی اقتصادی شمرده می‌شود، فقط به بررسی این تلقی از اقتصاد تعاونی، بحث‌های بعدی را سامان می‌دهد. به این جهت، در نوشتار پیش‌رو واژه نظام اقتصاد تعاونی در برابر نظام اقتصاد سرمایه‌داری استعمال می‌شود. نظام‌های اقتصادی بر اساس عنصرهایی از هم متمایز می‌شوند که با بیان آنها، جایگاه اقتصاد تعاونی نسبت به نظام سرمایه‌داری روشن می‌شود. این تمایزها براساس مقایسه عنصرهای مربوط به مبانی، کارکردهای اقتصاد تعاونی و سرمایه‌داری امکان‌پذیر است.

نظام اقتصاد تعاونی

با نگاهی مجدد به تابع اصلی تولید $Q=F(L, K)$ این پرسش مطرح می‌شود که انسان و سرمایه در فرایند تولید چه نقشی دارند؟ مالکیت منابع و ابزار تولید، مال کدام عامل است؟ هر یک از دو عامل تولید، در مدیریت فرایند تولید چه نقشی دارند؟ هر یک از دو عامل تولیدی چه سهمی از محصول تولیدی دارند؟

هر یک از این پرسش‌ها در اقتصاد سرمایه‌داری پاسخ خاصی دارد اما از نظر نظام اقتصاد تعاونی پاسخ این پرسش‌ها چیست؟ برای دریافت پاسخ صحیح آنها ابتدا باید جایگاه هر یک از عامل‌های تولید از دید نظام اقتصاد تعاونی روشن شود.

از دید اقتصاد تعاونی، سرمایه عقیم نیست بلکه در تولید نقش دارد. این نظام به دنبال ترفیع جایگاه انسان و تنزل جایگاه سرمایه است. اندیشه‌وران اقتصاد تعاونی باور دارند که سرمایه باید در خدمت انسان باشد.

متناسب با این نوع نگاه، انسان و نیروی کار باید مالک منابع تولیدی و محصول تولیدی، مدیر فرایند تولیدی، متناسب با توان و تخصص خود بهره‌مند از دستمزد ثابت، و متناسب با میزان سهم مالکیت منابع تولیدی، از سهم سود بهره‌مند شود. سرمایه نیز متناسب با نقش خود، از درآمد مناسبی بهره می‌برد.

برای تحقق و تثبیت چنین جایگاهی برای انسان در برابر سرمایه و سرمایه‌داری، باید از سرمایه عظیم اجتماعی که در قالب اتحاد و رفتار انسانی تبلور می‌یابد و اقتصاد تعاونی را سامان می‌دهد، استفاده کرد. تبیین ویژگی‌های این اقتصاد با عنصرهای هشت‌گانه ذیل،

ویژگی‌ها و امتیازهای اقتصاد تعاونی را نسبت به اقتصاد سرمایه‌داری روشن می‌کند:

۱. هدف فعالان اقتصادی، رفع نیازهای خود و دگرخواهی، توسعه مالکیت و ترفیع شأن انسان است؛

۲. مالکیت در اقتصاد تعاونی مشاعی و محدود است. در صورتی که سرمایه برخی از آنها نسبت به دیگران بیش‌تر باشد، این امر برای آنها حق مدیریت بیش‌تری پدید نمی‌آورد؛

۳. جایگاه سرمایه تنزل یافته و میزان آن، هیچ نقشی در مدیریت ندارد اما جایگاه انسان ترفیع می‌یابد و در مدیریت نقش اساسی دارد؛

۴. تعاون، اصل رفتاری حاکم بر اقتصاد تعاونی است و رقابت به شکل داروینستی آن، هیچ جایگاهی در آن ندارد؛ البته، رقابت مسئولانه بلامانع است؛

۵. در اقتصاد تعاونی، انحصار شکل نمی‌گیرد چون این اقتصاد در هنگام اجرا و عمل تابع اصولی است که پیگیری آن اصول، همراه با ضمانت اجرایی و قانونی است که مانع وقوع انحصار می‌شود؛

۶. فعالان اقتصاد تعاونی، ضمن بهره‌مندی از حق آزادی، در برابر دیگران مسئولیت‌های اقتصادی و اجتماعی دارند؛

۷. فعالان اقتصاد تعاونی، قیمت تولیدات را با رعایت مسئولیت‌های خود و نیز با مراعات ارزش‌های اخلاقی به سازوکار عرضه و تقاضای بازار وا می‌گذارند؛

۸. استقلال و عدم وابستگی حتی به دولت: این امر باعث خلاقیت و ابتکار همه نیروی‌های کار می‌شود و به معنای واقعی اقتصاد به‌دست مردم سپرده می‌شود.

برای تحقق اقتصاد تعاونی با ویژگی‌های پیش‌گفته، باید اصولی تأسیس و در

فعالیت‌های اقتصادی مراعات شود. این اصول در ادامه بیان می‌شود.

اصول اجرایی نظام اقتصاد تعاونی

از آنجایی که اقتصاد تعاونی برای ترفیع جایگاه انسان در برابر اقتصاد سرمایه‌داری

است، باید اصولی در فعالیت‌های اقتصادی رعایت شود تا این جایگاه محقق و در فرایند

اقتصادی محفوظ بماند:

اصل نخست، مشارکت اقتصادی اعضا: تمام فعالان اقتصادی با مالکیت مشاع بنگاه و سرمایه آن

برای رسیدن به هدف‌های اقتصادی با هم همکاری و مشارکت می‌کنند. این امر باعث

می‌شود تا در دوران رونق اقتصادی، همه فعالان اقتصادی به میزان کوشش خود از سود

دوران رونق بهره‌مند شوند و در دوران رکود اقتصادی از کار اخراج نشوند، بلکه با کوشش

فراوان و بهره‌مندی کم‌تر، موقعیت اقتصادی خود را حفظ کنند؛ اصل دوم، حق عضویت اختیاری و آزاد برای همه افراد جامعه: هر فردی تصمیم داشته باشد اصول و ارزش‌های اقتصاد تعاونی را رعایت کند، می‌تواند درخواست عضویت در بنگاه‌های اقتصادی کند یا با مجموعه دیگری تشکیل بنگاه اقتصادی دهد. البته در کنار این حق، مسئولیت‌های حقوقی و اخلاقی متوجه آنها خواهد شد؛ اصل سوم، حق مشارکت در مدیریت و کنترل فرایند اقتصادی از طریق هر نفر یک رای: چون اگر میزان دخالت در مدیریت و رای، تابع میزان مالکیت سرمایه باشد، جایگاه انسان در فرایند اقتصادی تنزل و جایگاه سرمایه ترفیع می‌یابد؛ اصل چهارم، آموزش، کارورزی و اطلاع‌رسانی به همه اعضا و افراد علاقه‌مند به فعالیت اقتصادی: این امر به معنای واقعی، اقتصاد دانش‌محور را عمومی و فراگیر می‌کند؛ اصل پنجم، همکاری و مشارکت بین بنگاه‌های اقتصادی: عمل به این اصل باعث گسترش اقتصاد تعاونی در عرصه ملی بلکه بین‌المللی شده و مانع وقوع رقابت داروییستی می‌شود. البته فعالان اقتصادی در کنار حق بهره‌مندی از رقابت برای حفظ موقعیت خود در برابر بنگاه‌های نظام سرمایه‌داری، با مسئولیت‌هایی نیز روبرو هستند که عمل به آنها لازم است؛ اصل ششم، توجه به جامعه و دگرخواهی: برای تحقق این اصل، همه فعالان اقتصادی می‌کوشند تا اقتصاد تعاونی فراگیر شود و همه افراد با اندک سرمایه، به تعاونی ملحق شوند و حتی بخشی از سود بنگاه‌های اقتصادی برای توسعه اقتصاد تعاونی اختصاص پیدا می‌کند؛ اصل هفتم: اختصاص مازاد بازگشتی و سود به نیروی کار براساس میزان تخصص و بهره‌وری آنها: در اقتصاد تعاونی، تمام نیروی کار براساس میزان تخصص خود دستمزد ثابتی دارند. افزون بر آن، مازاد بازگشتی و سود، بر اساس تخصص نیروی کار به خود آنها پرداخت می‌شود. در اقتصاد سرمایه‌داری، به نیروی کار متخصص و غیرمتخصص فقط دستمزد ثابتی تعلق می‌گیرد. این امر انگیزه کوشش نیروی کار متخصص را نسبت به وضعیتی که تمام سود و مازاد بازگشتی براساس تخصص و کوشش به نیروی کار تعلق گیرد، کاهش می‌دهد؛ اصل هشتم، تعلق سود محدود به سرمایه: میزان تعلق سود به سرمایه باید حداکثر تا حدی باشد که به جایگاه انسان در فرایند اقتصادی در برابر سرمایه، صدمه نزند؛ اصل نهم، حمایت دولت از اقتصاد تعاونی: دولت با حفظ استقلال این اقتصاد با امکانات ملی که در اختیار دارد باید به این اقتصاد کمک کند تا قدرت ماندگاریش فزونی یابد (اتحادیه بین‌المللی تعاون، ۱۳۷۷: ۷ و ۸ و طالب، ۱۳۷۶: ۸۹).

شایان ذکر است که تحقق آموزه‌های نظام اقتصاد تعاونی ضمانت‌های اجرایی و قانونی

دارد که در مجال دیگری تبیین خواهد شد.

آموزه‌های نظام سرمایه‌داری (مبانی و اصول)

نوع نگاه به مقوله‌های اساسی هستی مانند رابطه‌ی خدای متعال با جهان و انسان، خود انسان، و جامعه در رفتارهای اقتصادی انسان و در پذیرش نوع نظام اقتصادی اثر جدی دارد. در نوشتار حاضر، با تبیین این مسئله، زمینه‌ی مقایسه‌ی اقتصاد تعاونی با اقتصاد سرمایه‌داری فراهم می‌شود:

۱. اساسی‌ترین مبنای اعتقادی نظام سرمایه‌داری، «دئیسم» است. براساس این مبنا، خداوند متعال بعد از آفرینش جهان طبیعت، نظام طبیعی را که کارآمدترین نظام در عالم تکوین است، در آن قرار داده است. نظام اقتصادی نیز جزئی از نظام طبیعی است. مطابق این نظام هر کس در پی حداکثرسازی منافع مادی شخصی خود است و «دست نامرئی» **آدام اسمیت** باعث می‌شود تا منافع عموم نیز حداکثر شود. یگانه وظیفه‌ی عالمان اقتصادی، درک و شناسایی نظام طبیعی و هم‌سویی و هماهنگی با آن است (کاپلستون، ۱۳۷۵: ۵، ۱۷۹؛ ژید و ژیست، ۱۳۷۰: ۱۸-۹ و ۱۲۴ و ۱۲۵؛ تفضلی، ۱۳۷۵: ۶۹، ۷۰، ۷۲ و ۸۶ و ۸۷ و نمازی، ۱۳۸۲: ۲۲-۲۴). نتیجه‌های این دیدگاه عبارت هستند از:

۱. بی‌نیازی از قانونگذاری؛

۲. آزادی اقتصادی؛

۳. عدم مداخله دولت در اقتصاد (ر.ک: ژید و ژیست، ۱۳۷۰: ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۴۶، ۴۹، ۷۰؛ نمازی، ۱۳۸۲: ۲۳ و ۲۴ و تفضلی، ۱۳۷۵: ۷۸-۷۲).

۲. نظام سرمایه‌داری بعد از معرفی نظام طبیعی، خدای متعال و اراده‌ی وی را از عرصه‌ی فعالیت‌های اقتصادی حذف و انسان و اراده‌ی وی را به عنوان خواستگاه اصلی خود معرفی کرد. اراده و خواست بشر، ارزش اصلی، بلکه منبع ارزش‌گذاری شمرده شد و تمام ارزش‌های دینی ناسازگار با خواسته‌های انسان، ضد ارزش تلقی شدند (آربلاستر، ۱۳۷۷: ۱۴۰ و لالاند، ۱۳۷۵: ذیل واژه Humanisme).

۳. نظام سرمایه‌داری اصالت لذت مادی را در معرفی سعادت و شقاوت، معیار قرار داد و ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها نیز با همین معیار مورد ارزیابی قرار گرفت (راسل، ۱۳۷۳: ۱۰۶۰ و کاپلستون، ۱۳۷۵: ۸، ۲۴). سرانجام آنان «سعادت» و «لذت» را مترادف هم گرفتند (راسل، ۱۳۷۶: ۱۱۸). اصل لذت را معیار حق و باطل قرار دادند (هنری و استرول، ۱۳۷۴:

۵۰) و سرانجام هدف نهایی انسان را در فعالیت اقتصادی منفعت شخصی مادی معرفی کردند (ولنکستر، ۱۳۵۸: ۳، ۱۲۴) و کینز - در شمار بزرگ‌ترین اقتصاددان نظام سرمایه‌داری - بر این باور است که نیک بد، و بد نیکو است؛ زیرا بد مفید است و نیکو سودمند نیست (سی بی مک، ۱۳۶۹: ۱۲۲ و ۱۲۳).

۴. نظام سرمایه‌داری، به اصالت فرد باور دارد و جامعه، عنوانی انتزاعی است؛ بنابراین همه چیز باید از آن فرد باشد. بر این اساس، مالکیت فردی خصوصی، جایگاه رفیع پیدا می‌کند و انسان در عرصه اقتصادی آزادی مطلق دارد (آنتونی، ۱۳۷۷: ۸۰ - ۵۵).

۵. بر اساس مالکیت فردی، آزادی اقتصادی و پیگیری حداکثر منافع مادی شخصی در فعالیت‌های اقتصادی، قاعده رفتاری رقابت آزاد منتج می‌شود. رقابت در طول تاریخ نظام سرمایه‌داری، تفسیرهای گوناگونی به خود گرفته است (رنانی، ۱۳۷۶: ۱۰۰ - ۸۳) اما در تمام این تفسیرها، مفهوم داروینستی عبارت است از: کوشش و مبارزه با رقیبان برای پیروزی در دستیابی به امکانات اقتصادی بیش‌تر، در آن نهفته است (Schnitzer, 1994: 26).

۶. نتیجه‌های فلسفه نظام سرمایه‌داری از دید برخی اقتصاددانان، این نظام با نقدهایی روبه‌رو شده و برخی اصلاح‌های روبنایی انجام داده‌اند اما هیچ‌گاه مبانی نظام سرمایه‌داری را نفی نمی‌کنند. این ناسازگاری بین نتیجه‌ها و عمل، و فلسفه نظام سرمایه‌داری، مشکل دیگری برای این نظام است (موحد، ۱۳۸۱: ۳۳۲ - ۳۲۹ و بلوم، ۱۳۷۳: ۲، ۹۳۴ - ۹۳۲).

جایگاه آموزه‌های اسلامی نسبت به آموزه‌های نظام سرمایه‌داری و تعاونی

در ادامه، آموزه‌های نظام سرمایه‌داری و تعاونی با هم مقایسه شده و ضمن بیان سازگاری یا ناسازگاری آن‌ها، میزان هم‌سویی آنها نسبت به آموزه‌های اسلامی بیان می‌شود:

۱. رعایت ارزش‌های اخلاقی مانند: صداقت، وفاداری و انصاف جزو ماهیت نظام اقتصاد تعاونی است (معاونت تحقیقات و آموزش و ترویج دفتر تحقیقات وزارت تعاون، ۱۳۷۷: ۸). چنانکه گذشت، تمام ارزش‌های اخلاقی این‌چنینی، هم بر اساس مبانی اعتقادی نظام سرمایه‌داری و هم بر اساس تصریح بزرگ‌ترین مدعیان این نظام مانند کینز، ضد ارزش و ضد اخلاق شمرده می‌شوند.

آموزه‌های اسلامی ضمن پذیرش ارزش‌های اخلاقی، بر رعایت آن‌ها از جمله صداقت

(کلینی، ۱۳۶۳: ۲، ۱۰۴)، وفاداری (اسراء (۱۷)، ۳۴ و مائده (۵)، ۱) و انصاف (کلینی، ۱۳۶۳: ۲، ۱۴۸ - ۱۴۴ و نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۱، ۳۱۱، ح ۱۳۱۲۶) تأکید فراوانی کرده است.

۲. اتحاد و همکاری در تعاونی امری اصیل است و همه افراد رفع و ارضای حاجت‌های خود و دیگران را از راه همکاری و اتحاد بر راه‌ها و وسائل فردی ترجیح می‌دهند (معاونت تحقیقات و آموزش و ترویج دفتر تحقیقات وزارت تعاون، ۱۳۷۷: ۸). در حالی که نظام سرمایه‌داری حداکثرکردن منافع مادی فردی را فقط هدف هر نوع فعالیت انسان قرار می‌دهد البته ممکن است در فعالیتی همکاری جمعی را بر فعالیت فردی ترجیح دهد، اما این امر در صورتی اتفاق می‌افتد که همکاری جمعی سود مادی شخصی را فزون‌تر کند. آیه‌های قرآن بر اتحاد و همکاری در تمام امور تأکید دارد:

«واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا» (آل عمران (۳)، ۱۰۳).

«همگی به ریسمان الهی چنگ زبید و پراکنده نشوید».

قرآن تأکید دارد که امور دنیایی هرگز نمی‌تواند باعث همبستگی پایدار بین مردم شود:

«لو انفقت ما فی الارض جميعا ما الفت بین قلوبهم و لكن الله آلف بینهم» (انفال (۸)، ۶۳).

«[ای پیامبر] اگر تمام آنچه را روی زمین است صرف می‌کردی که میان آنان الفت دهی، نمی‌توانستی اما خداوند میان آنان الفت پدید آورد».

طبیعی است اگر وحدت و همکاری فقط برای رسیدن به امور مادی شخصی باشد، افرادی که در چرخه وحدت قرار گیرند هر موقع احساس کنند که پدیدساختن تفرقه و گسستن ریسمان همبستگی، آنها را به منافع مادیشان می‌رساند، کوشش خواهند کرد تا وحدت موجود را به هم بریزند. این‌گونه وحدت هرگز موردنظر تعاون نیست. بنابراین، اقتصاد تعاونی اگر بخواهد بین تعاون‌طلبان، همبستگی پایدار پدید آورد، به ناچار باید از امور معنوی و الهی بهره‌مند شود.

۳. براساس اصل رفتاری تعاون، توجه به جامعه، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و دگرخواهی یکی از اصول اقتصاد تعاونی است (معاونت تحقیقات و آموزش و ترویج دفتر تحقیقات وزارت تعاون، ۱۳۷۷: ۸) در حالی که فردگرایی و اصالت فرد از شاخصه‌های اصلی نظام سرمایه‌داری است. الگوی رفتاری مطلوب از نظر این نظام رقابت است. اصل رفتاری رقابت، مزیت‌های غیرقابل انکاری دارد که عبارت هستند از: ابتکار و خلاقیت،

کشف روش‌های کارآمد، کاهش هزینه‌ها و رشد اقتصادی. البته با پیگیری اصل رفتاری تعاون، افزون بر مزیت‌های پیش‌گفته، می‌توان مزیت‌های اصل رفتاری رقابت را نیز تحصیل کرد و هیچ علتی وجود ندارد که مزیت‌های مربوط به اصل رفتاری رقابت را از راه رعایت اصل رفتاری تعاون نتوان تحصیل کرد اما با توجه به مبانی پیش‌گفته و تلقی خاص نظام سرمایه‌داری از بدی و خوبی، آثار منفی رقابت نیز بر صاحب‌نظران اقتصادی پوشیده نیست. پدیدساختن قطب‌های عظیم اقتصادی، انحصارهای بزرگ، بروز شکاف طبقاتی شدید در سطح بین‌المللی و فقر گسترده در بخش اعظم کره زمین، محصول همین رقابت است (تفضلی، ۱۳۷۵: ۳۵۳؛ بوزان، ۱۳۷۸: ۲۶۴ و ۲۶۵ و یوسفی، ۱۳۸۶: ۳۷۷ - ۳۷۵).

از دید آموزه‌های اسلامی تردیدی در تأیید اصل رفتاری تعاون و مسئولیت‌های اجتماعی افراد نسبت به هم وجود ندارد. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در سخنان فراوانی مردم را خطاب قرار داده و به مسئولیت آنان در برابر هم تأکید فرموده‌اند:

«کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» (بخاری، ۱۹۸۱: ۱، ۱۶۰ و مجلسی، ۱۳۷۴: ۷۵، ۳۸).

«همه شما نگهبان هستید و همه شما در برابر مردم مسئول هستید».

همچنین پیامبر اکرم ﷺ در گفتار دیگری برای اهتمام به امور مسلمانان فرمود:

«من اصبح و لایهتم بامور المسلمین فلیس منهم» (کلینی، ۱۳۶۳: ۲، ۱۶۴).

«هر کس صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نرزد، مسلمان شمرده نمی‌شود».

بر اساس این قبیل آموزه‌ها واضح است که آموزه‌های تعاونی با آموزه‌های اسلامی هم‌سوئی بیش‌تری دارد.

۴. استقرار روابط حسنه بین سازمان‌های وابسته و نیز ترویج روابط دوستانه اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی دو هدف اتحادیه بین‌المللی تعاون است (دیویدویچ، ۱۳۴۷: ۲۶ و ۲۷). این هدف‌ها با اجرایی کردن اصول و ارزش‌های تعاونی محقق می‌شوند اما براساس ویژگی‌ها و آموزه‌های نظام سرمایه‌داری - تهدید ذاتی، انحصار منافع، منافع مادی یگانه هدف فعالیت انسان و تنزل جایگاه انسان در حد ماشین طماع - هرگز نمی‌توان انتظار روابط دوستانه اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی بین بنگاه‌های اقتصادی را داشت.

آموزه‌های اسلامی برای تحقق روابط حسنه در عرصه اقتصادی بر این قبیل قاعده‌های رفتاری تأکید می‌کنند: اخوت، انسان‌دوستی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، همیاری، انصاف، وفاداری، مدارا،

امانتداری، صداقت و حسن خلق.* بنابراین، اگر اقتصاد تعاونی با اجرایی کردن اصول خود به تحقق این ارزش‌ها کمک کند، به یقین هم‌سویی بیش‌تری با آموزه‌های اسلامی دارد.

۵. در نظام سرمایه‌داری، سرمایه نقش محوری و فرمان‌روا را بر عهده دارد اما در اقتصاد تعاونی انسان، محور اصلی تمام فعالیت‌ها است (همان: ۲۰۶ - ۱۹۴).

انسان از دید اسلام جایگاه رفیعی دارد. قرآن تصریح می‌کند که انسان جانشین خدا روی زمین و مسئول در برابر وی است (بقره (۲)، ۳۰ و انعام (۶)، ۱۶۵). فقط کسانی که به این جایگاه باور دارند، حاضر هستند اراده‌ی وی را در تولید و توزیع در تعاونی به رسمیت بشناسند و جایگاه اصلی را در فعالیت اقتصادی به جای سرمایه به انسان بدهند.

۶. در اقتصاد تعاونی سود سهام محدود و اندک است. سود به میزان کوشش افراد بین آنان توزیع می‌شود. در نظام سرمایه‌داری، سود به نسبت سهام و سرمایه است (دیویدویچ، ۱۳۴۷: ۲۰۶ - ۱۹۴). این اصل تعاونی نیز به جهت ترفیع جایگاه انسان در فعالیت‌های اقتصادی است.

۷. در اقتصاد تعاونی نتیجه فعالیت اقتصادی به خود اعضا برمی‌گردد. در حالی که در نظام سرمایه‌داری نیروی کار به خدمت سرمایه درمی‌آید و برای مزد ثابتی کار می‌کند و حاصل دست‌رنج آنان، عاید سرمایه‌دار می‌شود (همان).

در آموزه‌های اسلامی، یکی از معامله‌هایی که مکروه شمرده شده، اجیرشدن انسان است. در این باره هم فتوهای فقیهان اسلام صریح است (طوسی، ۱۴۲۲: ۶، ۴۵ و فیض کاشانی، ۱۴۱۲: ۱۷، ۱۴۸) و هم روایت‌های فراوانی وارد شده است (حرّ عاملی، ۱۴۱۳: ۱۷، ۲۳۸). امام صادق علیه السلام در یکی از روایت‌ها، علت اقتصادی کراهت اجیرشدن را چنین بیان می‌فرماید:

«مَنْ آجَرَ نَفْسَهُ فَقَدْ حَظَرَ عَلَيْهَا الرِّزْقَ وَ كَيْفَ لَا يَحْظَرُ عَلَيْهَا الرِّزْقَ وَ مَا أَصَابَهُ فَهُوَ لِرَبِّ آجَرَهُ»
(همان: ۱۷، ۲۳۹).

«هر انسانی خود را در کاری اجیر کند، روزی را بر خود ممنوع کرده است. چگونه چنین انسانی روزی را بر خود ممنوع نکرده، در حالی که نتیجه زحمتش مال کسی است که وی را اجیر کرده».

۹. در نظام سرمایه‌داری اهمیت مؤسسه‌های اقتصادی بر اساس میزان سرمایه آنها ارزیابی می‌شود اما در اقتصاد تعاونی اهمیت مؤسسه‌های تعاونی بر اساس تعداد اعضا،

*. این قواعد رفتاری از مسلمات آموزه‌های اسلامی است و نیز در بسیاری منابع اسلامی وجود دارند، بنابراین، از ذکر منابع خودداری می‌شود.

رشد فکری و میزان همکاری بین آنان تعیین می‌شود؛ هر چند سرمایه بی‌اهمیت تلقی نمی‌شود و در خدمت انسان قرار دارد (دیویدویچ، ۱۳۴۷: ۲۰۶ - ۱۹۴ و نظام‌شهیدی و علیزاده‌اقدام، ۱۳۷۸: ۱۹ و ۲۰).

۱۰. در اقتصاد سرمایه‌داری هر یک از افراد به میزان مالکیت فردی خود اهمیت داشته و در مدیریت دخالت دارند. در اقتصاد تعاونی گرچه مالکیت فردی طرد نمی‌شود اما مالکیت فردی در قالب گروه اجتماعی مورد تأکید است. مالکیت به ضرورت مشاعی است و برای مالک حق بیش‌تری نسبت به دیگران در رای و مدیریت پدید نمی‌آورد (دیویدویچ، ۱۳۴۷: ۲۰۶ - ۱۹۴ و نظام‌شهیدی و علیزاده‌اقدام، ۱۳۷۸: ۲۱ - ۱۹).

هر دو نوع مالکیت فردی مشاعی و غیرمشاعی مورد تأیید آموزه‌های اسلامی است اما آنچه در اقتصاد تعاونی اهمیت دارد، نفی سرمایه‌سالاری و ترفیع جایگاه انسان در فرایند فعالیت‌های اقتصادی است که پیش‌تر اهمیت این مسئله براساس آموزه‌های اسلامی بیان شد. آنچه بیان شد نشان می‌دهد که نظام سرمایه‌داری، از جهت مبانی با اقتصاد تعاونی متفاوت است. می‌توان نظام سرمایه‌داری را با اقتصاد تعاون از نظر نتیجه‌های اجرای اصول و ارزش‌های مورد قبول آنها نیز ارزیابی کرد.

مقایسه نتایج اجرای آموزه‌های نظام سرمایه‌داری و تعاونی

تردیدی نیست که اگر اصول و ارزش‌های اقتصاد تعاونی در عرصه اقتصادی اجرا شود، رفاه عمومی حاصل می‌شود و فقر، فساد اجتماعی و فاصله طبقاتی کاهش جدی می‌یابد. کامیابی تعاونی‌های اولیه و نیز برخی کشورهای دیگر پیش از یک‌قطبی شدن اقتصاد در سطح بین‌المللی، شاهد این مدعا است اما آمارها نشان می‌دهند که آموزه‌های نظام سرمایه‌داری، تولید فقر، فساد و فاصله طبقاتی شدید است.

در سال ۲۰۰۳ میلادی اعضای سازمان ملل بر سر هدف‌های توسعه هزاره سوم به توافق رسیدند. هدف از این برنامه، کاهش ۵۰ درصدی فقر در جهان تا سال ۲۰۱۵ اعلام شد. حل مشکل‌هایی مانند: گرسنگی، بیماری، بی‌سوادی، صدمه به محیط زیست، و گسترش ایدز از جمله معیارهای سنجش تحقق هدف پیش‌گفته بود. مارک مالوک براون مدیر برنامه توسعه سازمان ملل در تحقق هدف‌های پیش‌گفته تردید کرده و مدعی است در وضعیت

خطرناکی به سر می‌بریم، بیش از یک میلیارد نفر، یعنی یک ششم جمعیت جهان، هنوز در فقر شدید زندگی می‌کنند. این افراد، روزگار خود را در وضعیت نکبت‌بار زاغه‌نشین‌ها می‌گذرانند. وی باور دارد بدون اعمال تغییرهای بنیادی، شمار این افراد طی ۳۰ سال آینده دو برابر شده و تا سال ۲۰۵۰ ممکن است ۳/۵ میلیارد نفر از جمعیت شش میلیاردی شهرنشین زمین در زاغه‌ها زندگی کنند و ادامه این وضعیت مایه شرمساری جهانیان است.

بر پایه آمار بانک جهانی در سال ۱۹۹۳، تعداد فقیران در کشورهای کم‌تر توسعه یافته که در وضعیت وخامت به سر می‌برند، حدود یک میلیارد و سیصد میلیون نفر است (تیرل وال، ۱۳۷۸: ۵۳) و در کشورهای سرمایه‌داری صنعتی ۱۰۰ میلیون فقیر وجود دارد (بانک جهانی، ۱۹۹۵). همچنین کشورهایی با درآمد پایین که ۶۰ درصد جمعیت جهان را دارند، فقط ۶ درصد درآمد جهان را در اختیار دارند و کشورهای سرمایه‌داری صنعتی با جمعیت ۲۵ درصد جهان، ۷۷ درصد درآمد جهان را در چنگ خود دارند (تیرل وال، ۱۳۷۸: ۵۵).

همچنین برخی آمارها حکایت دارند که اگر جمعیت جهان به پنج پنجم تقسیم شود، ثروتمندترین پنجم، ۸۳ درصد درآمد دنیا را به خود اختصاص داده است اما فقیرترین پنجم، فقط ۱/۴ درصد درآمد دنیا را دارد. متأسفانه هر چقدر دنیا ثروتمندتر می‌شود وضعیت نابرابری بدتر می‌شود؛ به طوری که در دهه ۱۹۶۰ میلادی، درآمد پنجم ثروتمند، ۳۰ برابر پنجم فقیر دنیا بود اما امروزه این نسبت، ۸۰ برابر شده است (Gordon, 6).

مطابق تحقیق فرانسیس بورگیگنون و کریستین مورین برای سال‌های ۱۸۲۰ — ۱۹۹۲ مشخص شد که سهم بیست درصد فقیر دنیا از درآمد جهان در سال ۱۸۲۰، ۴/۵ درصد بوده اما در سال ۱۹۹۲ بدتر شده و به ۲ درصد رسیده است. این در حالی است که سهم ده درصد ثروتمند دنیا از ۴۳/۱ درصد به ۵۳/۴ درصد افزایش یافته است. همین‌طور وضعیت ضریب جینی به گونه‌ای که از ۰/۵۰۴ به ۰/۶۶۳ افزایش یافته که نشانگر بدتر شدن نابرابری در سطح جهان است.

وضعیت نابرابری و فقر در کشور آمریکا در جایگاه مظهر نظام سرمایه‌داری، به هیچ‌وجه مطلوب نیست. در ۱۹۷۳ میلادی سهم درآمد یک‌پنجم پایین‌ترین خانواده‌ها، ۵/۵ درصد کل درآمد و سهم درآمد یک‌پنجم بالاترین خانواده‌ها، ۴۱/۱ درصد کل درآمد بود و در سال ۱۹۹۱ سهم دسته اول به ۴/۵ و دسته دوم به ۴۴/۲ رسید و این روند با اندک تغییرهایی همچنان ادامه دارد (بیو، ۱۳۷۶: ۳۲۹).

بر اساس آمار دیگری در سال ۱۹۸۹ در آمریکا، حدود ۱ درصد از ثروتمندترین خانواده‌ها ۱۴/۱ درصد درآمدها را به دست آوردند (همان: ۱۶۳). همچنین، برخی آمارها نشان می‌دهد که بین ده تا پانزده درصد جمعیت آمریکا (حدود ۳۷ میلیون نفر) زیر خط فقر قرار دارند (ماکارو، ۱۳۷۸: ۲۰۷). اما نویسنده کتاب *امریکای دیگر* با استناد به آمارهای فقر در آمریکا مدعی است که بین ۲۵ - ۲۰ درصد مردم آمریکا فقیر و مسکن مناسب، بهداشت و خوراک کافی ندارند. شمار این افراد بین چهل تا پنجاه میلیون نفر است (هرینگتن، ۱۳۵۶: ۲۵ و ۲۳۱).

طبق برآوردی بر پایه اطلاعات فدرال رزرو در سال ۱۹۹۰، ارزش خالص ثروت یک درصد بالای جمعیت آمریکا، بیش‌تر از ارزش خالص ثروت ۹۰ درصد پایین جمعیت بود. جالب اینکه دارایی ده خانواده ثروتمند امریکایی روی هم، نزدیک ۱۵۰ میلیارد دلار، برابر کل ثروت یک میلیون خانواده متوسط است. نکته مهم‌تر آنکه ۴۰ درصد پایین جمعیت، بیش از آنچه درآمد دارند، بدهکار هستند (شارون، ۱۳۷۹: ۱۰۱).

ممکن است پرسیده شود که آمارها، تمام کشورها از جمله کشورهای اسلامی را شامل می‌شود، در حالی که این تحقیق درصدد نشان‌دادن فساد و ناکامی نظام سرمایه‌داری است؟ در پاسخ باید گفت که آموزه‌های نظام سرمایه‌داری - غیر از زمان محدودی و در بخش کوچکی از کشورهای کمونیستی - چند قرن در تمام جهان پیگیری می‌شود. در کشورهای اسلامی نیز نظام اقتصاد اسلامی شناسایی و معرفی و اجرا نشد. فقط براساس احکام اسلامی برخی موارد و در برخی کشورهای اسلامی به ظاهر جلو برخی موارد، خلاف بین و مسلم گرفته شد که آن هم به‌طور معمول متخصصان اقتصادی درصدد راه‌های جایگزین که همان کارکرد نظام سرمایه‌داری را داشته باشد، می‌روند. آیا غیر از نظام سرمایه‌داری در جایی از جهان، نظام اقتصادی دیگری دنبال می‌شود؟ آیا نظام سرمایه‌داری اجازه چنین امری را داده یا می‌دهد؟ بنابراین، تردید در اینکه وضعیت فعلی جهان، محصول اجرای آموزه‌های نظام سرمایه‌داری است، تطهیر نابحق این نظام است.

آیا وضعیت کنونی از گذشته بهتر است؟ به یقین، وضعیت فعلی شباهت فراوانی به ابتدای دوران نظام سرمایه‌داری دارد: اولاً، فقر و فساد و شکاف درآمدی شدید در دنیا حاکم است؛ ثانیاً، رکود شدید در بازارهای مالی و تولیدهای صنعتی وجود دارد؛ ثالثاً، کاهش قدرت خرید مردم، آنان را با مشکل‌های فراوانی برای تأمین حداقل‌های زندگی

روبه‌رو کرده است؛ رابعاً، اخراج کارگران فراوان باعث افزایش خیل بیکاران در دنیا شده است. همین کارگران هنگام رونق اقتصادی فقط درآمد ثابت خود را دریافت می‌کنند و همه منافع رونق از آن سرمایه‌داران است اما هنگام رکود باید از کارخانه‌ها اخراج شوند. در حقیقت بر دنیای تحت سیطره نظام سرمایه‌داری، سایه فقر و ناامیدی حاکم شده است.

کاستی‌های نظام اقتصاد تعاونی

گرچه مطالب بیان‌شده، ضعف نظام سرمایه‌داری را نشان می‌دهد اما دو مشکل اساسی در برابر طرفداران نظام تعاونی، به‌ویژه اتحادیه بین‌المللی تعاون قرار دارد که بیان و راه‌حل آن براساس آموزه‌های اسلامی ارائه می‌شود. با حل این دو مشکل، امتیاز نظام اقتصادی اسلام نسبت به نظام اقتصاد تعاونی نیز مشخص می‌شود. همچنین روشن می‌شود که با انجام اصلاحاتی در اقتصاد تعاونی می‌توان آن را به‌صورت یکی از زیربخش‌های نظام اقتصاد اسلامی شمرد:

۱. اجرای نظام اقتصاد تعاونی، بدون تحقق اصول و ارزش‌هایی مانند: فداکاری، ایثار، انصاف، دگرخواهی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی و صداقت ممکن نیست. در حقیقت، نظام تعاونی این اصول و ارزش‌ها را جایگزین نظام سودجویی شدید و رقابت داروینیستی می‌کند. پرسش اساسی این است که چرا انسان بخاطر دیگران باید از سود خود چشم پوشد؟ در برابر این گذشت و فداکاری چه چیزی نصیبش می‌شود؟
۲. نظام اقتصاد تعاونی فقط مالکیت مشاع را می‌پذیرد و فعالیت اقتصادی را به‌صورت همکاری و مشارکت با دیگران قبول دارد. لوازم دیگر این نوع فعالیت پیش از این اشاره شد. این مشاع و مالکیت، به‌گونه‌ای است که افراد نمی‌توانند بر اساس تصمیم‌های فردی فعالیت اقتصادی داشته باشند. در حالی که همیشه برخی افراد هستند که هرگز آمادگی فعالیت اقتصادی به‌صورت تعاونی را ندارند اما در فعالیت اقتصادی فردگرایانه کامیاب عمل می‌کنند. براساس آموزه‌های نظام اقتصاد تعاونی جایگاهی برای این نوع فعالیت‌ها وجود ندارد. این امر، با اصل آزادی انسان‌ها در رفتارهای اقتصادی منافات دارد.

توضیح اشکال نخست و راه‌حل آن

- همه انسان‌ها در رفتارهای اقتصادی خود چند قاعده عقلایی را رعایت می‌کنند که عبارت هستند از:
۱. انسان همیشه در پی نفع شخصی، لذت و خوشی و دوری از رنج و آلم است. انسان بر پایه غریزه حب‌الذات و با استفاده از عقل، آنچه را سعادت و لذت بداند، در پی آن خواهد رفت و هر چیزی را درد و آلم پندارد، از آن گریزان خواهد بود. شهید صدر^ع این مطلب

را تبیین کرده است (صدر، ۱۴۱۲: ۳۲ و ۳۳)؛

۲. انسان لذت بیش‌تر را بر کم‌تر ترجیح می‌دهد؛

۳. انسان لذت پایدار را بر لذت ناپایدار ترجیح می‌دهد.

قاعده‌های پیش‌گفته از قضیه‌های بدیهی عقلی هستند و نیاز به استدلال ندارند. بنابراین، اگر انسان در اقتصاد تعاونی از چشمان ناظر دور بماند و به جای رعایت اصول و ارزش‌های تعاون، بتواند با چپاول حق دیگران سود خود را حداکثر کند، در برابر چه پاداشی باید اصول و ارزش‌های تعاون را رعایت کند؟ به یقین، اتحادیه بین‌المللی تعاون و تعاون‌گران طرفدار نظام سرمایه‌داری، هرگز نمی‌توانند در برابر این پرسش مهم، پاسخی قانع‌کننده داشته باشند. چون اصول و ارزش‌های اقتصاد تعاونی برخاسته از فلسفه‌ای مبتنی بر جهان‌شناسی و انسان‌شناسی روشنی نیست تا انسان را قانع کند که به ازای رعایت این اصول و ارزش‌ها و آنچه از دست می‌دهد، پاداش بیش‌تری نصیبش می‌شود. اتحادیه بین‌المللی و اندیشه‌وران تعاون، سال‌ها درگیر بحث‌های طولانی روی موضوع‌های مهمی از جمله این بودند که نظام تعاون، نظام مستقلی است یا در شمار نهادهای نظام سرمایه‌داری است؟ با توجه به آنچه درباره نظام سرمایه‌داری بیان شد، جای تردیدی باقی نمی‌ماند که اصول و ارزش‌های اقتصاد تعاون با مبانی نظام سرمایه‌داری سازگاری ندارد. مناسب بود آنان به جای دنبال کردن این‌گونه بحث‌ها، به تبیین فلسفه اقتصاد تعاونی، مطابق با ماهیت، اصول و ارزش‌های تعاونی اقدام می‌کردند. اتحادیه بین‌المللی تعاون، به کمک اندیشه‌وران نظام تعاونی در تبیین انواع الگوها و توسعه نظام تعاونی کوشش‌های مؤثری کرد اما آن‌گونه که انتظار می‌رفت، نظام تعاون گسترش نیافت و امروز جهان، تحت سیطره طرفداران خودخواه و طماع نظام سرمایه‌داری دچار مشکل‌های عدیده‌ای شده است. اکنون اتحادیه بین‌المللی و اندیشه‌وران اقتصاد تعاون باید درک کنند که بخش عمده‌ای از ناکامی‌های اقتصاد تعاونی ناشی از این نقیصه بزرگ است. این نقیصه بزرگ فقط با مبانی بینشی و ارزشی آموزه‌های پیامبران الهی به‌ویژه آموزه‌های اسلامی برطرف می‌شود. در ادامه، این مبانی به اختصار بیان می‌شود.

خدانشناسی اسلامی و اثر آن بر اقتصاد تعاونی

۱. باور به خدای خالق انسان و تمام اشیا (انعام (۶)، ۶) دارای ربوبیت مستمر (انعام (۶)، ۱۶۴)، محیط و مسلط بر انسان و جهان (نساء (۴)، ۱۲۶)، قیوم انسان و هستی (بقره (۲)،

۲۵۵)، وکیل (انعام (۶)، ۱۰۳)، رزاق (آل عمران (۳)، ۲۷) و ...، پشتوانه قوی معنوی برای انسان در انجام امور است. به انسان ایمانی می‌دهد که برای کارهای بزرگ وی را آماده و استوار می‌کند. باوری که برای تحقق هدف‌ها، اصول و ارزش‌های تعاون مورد نیاز است؛

۲. باور به خدای متعال حسابرس دقیق و سریع، مهم‌ترین ضمانت اجرای قوانین و نیز عمل به ارزش‌های اصیلی مانند انصاف در اقتصاد تعاونی است. این باور، قدرتی ناظر و پویا در نهان انسان پدید می‌آورد تا در وقتی که هیچ نگاه بشری نگهبان وی نیست، از اجرای قوانین و تحقق ارزش‌های تعاونی پاسداری کند؛

۳. باور به هدایت تشریحی خدای متعال (جمعه (۶۲)، ۲) باعث می‌شود که انسان‌ها افزون بر بهره‌مندی از حس و عقل، از آموزه‌های وحی در تنظیم روابط اجتماعی و اقتصادی خود استفاده کنند و جهت‌گیری رفتارهای انسانی بر اساس اراده الهی تنظیم شود. وحی، حتی به حس و عقل انسان جهت خاصی برای ایفای نقش مفید در تنظیم روابط اجتماعی و اقتصادی می‌دهد. در بحث مبانی نظام سرمایه‌داری گذشت که اگر انسان‌ها از آموزه وحی در تنظیم روابط اجتماعی و اقتصادی خود استفاده نکنند، عقل انسان نمی‌تواند راهنمای وی در همکاری و تعاون باشد چرا که بدون آموزه وحی، وظیفه عقل آن است که در جهت ارضای خواهش‌های نفسانی و شهوت‌های انسان باشد. عقل انسان حتی اگر درک کند که تعاون و همکاری برای وی مفید است، در تحلیل نهایی به آنجا می‌رسد که خدمتگزار شهوت‌های انسان باشد. بنابراین، بدون باور به آموزه‌های وحی و هدایت تشریحی خدای متعال، هیچ‌گاه دگرخواهی و تعاون واقعی پدید نمی‌آید و در صورت پدید آمدن، قوام نمی‌یابد؛

۴. فقط با باور به هدایت تکوینی (طه (۲۰)، ۵۰) خدای متعال، می‌توان به اسباب و علل غیرمادی باور داشت. این باور افزون بر آنکه باعث می‌شود انسان‌ها از ابزارهای معنوی برای بهبود وضعیت اقتصادی خود بهره ببرند - مانند اینکه نماز باران برای نزول باران، اثر نماز شب برای رفع فقر، و تقوا برای نزول برکت‌های الهی - باعث می‌شود تا انسان باور داشته باشد که با کمک به دیگران، روزیش افزوده می‌شود. چون بر پایه برخی از آموزه‌های وحیانی، صدقه و کمک به دیگران باعث افزایش رزق و روزی می‌شود. این باور در تعاون که برخی از ارزش‌های اساسی آن، فداکاری و کمک به دیگران است، اثر مهمی خواهد داشت؛

۵. خدای متعال، در تکوین و تقنین عدالت را رعایت کرده است. این امر به آن معنا

است که با رعایت آموزه‌های وحی، انسان‌ها هدایت تکوینی مناسبی پیدا می‌کنند و با قرار گرفتن در راه هدایت تشریحی، به هدف غایی زندگی خود که همان کمال و سعادت است، نزدیک می‌شوند. یکی از هدف‌های تعاون، تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی است. واضح است که باور و عمل به مطلب پیش‌گفته، نظام تعاون را در وصول به یکی از هدف‌های مهمش یاری می‌کند. تحقق هدف پیش‌گفته در نظام تعاون با توجه به ضمانت اجرایی که باور به خدای متعال پدید می‌آورد، سهل‌تر خواهد بود.

جهان‌شناسی اسلامی و اثر آن بر اقتصاد تعاونی

از مسلمات جهان‌بینی اسلامی آن است که جهان هستی مشتمل بر دو عالم دنیا و آخرت است. انسان دارای دو زندگی یکی در دنیا و دیگری در آخرت است و زندگی آخرت در طول حیات دنیایی و در ادامه آن است. حیات انسان در عالم آخرت جاویدان و ازلی است. حیات عالم دنیایی انسان در عالم آخرت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و برای تمام اعمال کوچک و بزرگ وی پاداش و کیفر تعیین می‌شود (زلزله (۹۹)، ۸ - ۶). نعمت‌های عالم آخرت بی‌بدیل، گسترده و پایان‌ناپذیر است و برای مؤمنان هر گونه لذت و به هر مقداری در عالم آخرت فراهم است (غافر (۴۰)، ۴۰ و زخرف (۴۳)، ۷۱ و ۷۲).

با توجه به نتیجه‌های پیش‌گفته، انسان بر اساس جهان‌شناسی اسلامی در برابر عمل به آموزه‌های تعاون، هیچ‌گاه احساس نمی‌کند که چیزی را از دست داده است بلکه وی یقین دارد که این‌گونه اقدام‌ها نوعی سرمایه‌گذاری است که سود فراوان و پایدار در زندگی دارد. چون وی باور دارد که در طول حیات دنیایی، حیات جاویدان و ازلی دیگری در پیش دارد. وی در آنجا نیز نیازمند توشه زندگی است و آن توشه جز با عمل به امور نیک در حیات دنیایی تأمین نخواهد شد. این انسان، آخرت و نعمت‌های آن را هدف قرار می‌دهد در عین حال، از نعمت‌های دنیا به صورت کامل استفاده می‌کند.

انسان‌شناسی اسلامی و اثر آن بر اقتصاد تعاونی

انسان جسم و روح دارد و انسان مسلمان برای تکامل جسم و روح خود می‌کوشد (حجر (۱۵)، ۲۸ و ۲۹). انسان جانشین خدا روی زمین و مسئول در برابر وی است (انعام (۶)، ۱۶۵؛ بقره (۲)، ۳۰). هدف از آفرینش انسان دستیابی به سعادت و کمال است. سعادت

انسان عبارت است از: برخورداری از بیشترین لذت و کم‌ترین رنج در حیات دنیایی و آخرتی. انسانی سعادت‌مندتر است که سرجمع لذت‌های دنیایی و آخرتش بیش‌تر باشد. خوب از نظر انسان آن است که وی را به هدف زندگی نزدیک کند و بد آن است که وی را از هدف دور سازد. رفتار عقلایی اقتضا دارد که انسان همیشه در پی لذت بیش‌تر و پایدارتر باشد (یوسفی، ۱۳۸۶: ۲۰۸ - ۱۹۸).

با توجه به مطالب پیشین، یگانه انسانی را که اسلام هدف قرار داده است، می‌تواند انسان تعاون‌طلب حقیقی باشد. چون این انسان باور دارد که عمل به اصول و ارزش‌های تعاون به یقین وی را در راه هدف آفرینش قرار می‌دهد، به مسئولیت خود در برابر خدا و خلقتش عمل می‌کند و سرانجام به سعادت ابدی دست می‌یابد. انسانی که دغدغه تکامل روح خود را دارد آماده است به اصول و ارزش‌های تعاون عمل کند. فقط کسانی که به جایگاه رفیع انسانی - جانشینی خدا - باور دارند، حاضر هستند اراده‌ی وی را در تولید و توزیع در تعاونی به رسمیت بشناسند و جایگاه اصلی را در فعالیت اقتصادی به جای سرمایه به انسان بدهند. سعادت، خوب و بدی - که انسان معرفی شده بر اساس آموزه‌های اسلامی آنها می‌پذیرد - به‌طور کامل همسو با ارزش‌های تعاونی است. این همسویی بستر تحقق اصول و ارزش‌های تعاونی را به‌صورت مطلوبی فراهم می‌کند.

جامعه‌شناسی اسلامی و اثر آن بر تعاون

اسلام نظریه رایج اصالت فرد یا اصالت جامعه را نمی‌پذیرد. آموزه‌های اسلامی ما را به دیدگاه سومی - نظریه اصالت فرد و جامعه - ارشاد می‌کنند. ثمره این دیدگاه با دو دیدگاه دیگر متفاوت است. نظام سرمایه‌داری بر مبنای اصالت فرد باور دارد افراد در عرصه اقتصادی به‌طور مطلق آزاد هستند و می‌توانند بدون ملاحظه ارزش‌های اخلاقی با هم رقابت کنند. نظام پیش‌گفته قائل به مالکیت مطلق فردی است و دخالت دولت در اقتصاد را نمی‌پذیرد. نظام توزیع را به بازار می‌سپارد که سلیقه‌های افراد تعیین‌کننده نوع و کیفیت تولید است. افزون بر این امور در صورتی که بین منافع فرد و جامعه ناسازگاری اتفاق افتد، منافع فرد همیشه مقدم است. با توجه به مبنای انسان‌شناسی در اسلام که انسان در برابر خدا و جامعه مسئولیت دارد، دیدگاه اسلام درباره امور پیش‌گفته با نتیجه‌های دیدگاه

سرمايه‌داري متفاوت است. اسلام، آزادي و رقابت مسئولانه و مالکيت مختلط - فردي و دولتي و عمومي - را مي‌پذيرد. نظام توزيع نه در اختيار دولت است و نه به‌طور مطلق در اختيار افراد، بلکه ضمن اينکه افراد آزاد هستند و بازار به توزيع مي‌پردازد اما دولت در برابر اتفاق‌هاي نظام توزيع، به‌ويژه اگر ظلمي روی دهد مسئوليت دارد. بنابراین، حضور مسئولانه دولت در اقتصاد پذيرفته است. افزون بر اين امور، اگر ناسازگاري بين منافع فرد و جامعه پديد آيد، نمی‌توان حکم قاطع به نفع فرد يا جامعه کرد بلکه در مقام ارزش‌گذاري، هر جا بايد سهم فرد و جامعه را سنجيد و براساس ميزان سهم منافع هر يك از فرد يا جامعه، ضرر يا منفعت فرد يا جامعه را بايد لحاظ کرد.

هيچ‌يك از ديده‌گاه اصالت فرد و اصالت جامعه، سازگاري با تعاون ندارد اما ديده‌گاه اصالت فرد و جامعه با آموزه‌هاي تعاوني همسويي دارد. تعاون، نظامي است که نه فرد را بي‌هويت معرفي مي‌کند و نه جامعه را امر موهومي مي‌پندارد. بلکه شعار يکي براي همه و همه براي يکي از شعارهاي تعاوني است؛ يعني فرد و جامعه را امر اصيل مي‌داند. بر اين اساس، يکي از اصول خود را آزادي فردي قرار داده است اما در کنار اين آزادي، مسئوليت‌پذيري اجتماعي و دگرخواهي را نيز امر بنياني در اقتصاد تعاوني مي‌داند. مالکيت فردي را به رسميت مي‌شناسد اما بر شکل مشارکتی آن تأکيد مي‌کند. تعاوني ضمن حفظ استقلال، خواهان حمايت دولت از تعاوني‌ها است. نظام تعيين قيمت و سود را دولتي و به‌طور مطلق به دست ترجيحات افراد نمی‌داند، بلکه سود مشخصي را خواستار است و سوءاستفاده افراد را براي قيمت‌هاي غيرعادلانه نمی‌پسندد. هيچ‌گاه در ناسازگاري بين منافع فردي و جامعه يک طرف را قرباني طرف ديگر نمی‌کند، بلکه منفعت و ضرر را عادلانه بين دو طرف توزيع مي‌کند. روشن است که اين قاعده‌هايي که در نظام تعاون دنبال مي‌شود فقط با اصالت فرد و جامعه سازگار است که اسلام نيز آن را تأييد مي‌کند.

راه‌حل اشکال دوم (اسلام پاسخ‌گوی نیازهای فردگرایی)

برخي از فعالان اقتصادي ممکن است روحیه فردگرایی قوی و آمادگی لازم برای مشارکت و همکاري به‌صورتی که بيان شده است را نداشته باشند. اين قبيل افراد مي‌کوشند تا به‌صورت انفرادي فعاليت اقتصادي داشته باشند يا مجموعه‌اي را در چارچوب هدف‌هاي اقتصادي خود مدیریت کنند. نظام اقتصاد اسلامي با چنين انگيزه‌ها و فعاليت‌هايي مخالفتي

ندارد و با تأیید این نوع رفتار، اقتصاد بخش خصوصی واقعی در اسلام شکل می‌گیرد. فعالیت‌های افراد در این بخش، ویژگی‌هایی دارد که به برخی از آنها در ادامه اشاره می‌شود و ارائه استدلال برای آنها براساس آموزه‌های اسلامی به مجال دیگری واگذار می‌شود:

۱. این قبیل افراد حق دارند فقط برای حداکثر کردن منافع مادی خود در چارچوب ضوابط حقوقی اسلام بکوشند؛

۲. این بخش از افراد حق ندارند براساس اصل رفتاری رقابت داروینستی با هم رقابت کنند البته، رقابت مسئولانه بلامانع است؛ یعنی، حق رقابت دارند اما در کنار این حق رقابت، با مسئولیت‌هایی روبه‌رو هستند که این رقابت را از شکل رقابت داروینستی و تنازع بقایی خارج می‌کند؛

۳. رفتار انحصارگرانه در این بخش از اقتصاد نامطلوب است. فعالان اقتصادی حق ندارند به انحصار منافع مادی اقدام کنند. چون انحصار منافع، برای عموم مردم ضرر می‌رساند و باعث کاهش رفاه عمومی می‌شود؛

۴. مالکیت فردی غیرمشاعی برای این بخش مجاز است؛

۵. حق مدیریت در این بخش فقط برای صاحب سرمایه مجاز است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱. نظام اقتصاد تعاونی، اقتصادی ارزشی و اخلاقی است که با مبانی بینشی و ارزشی نظام سرمایه‌داری مابینت دارد. با استفاده از آموزه‌های اسلامی می‌توان مبانی بینشی و ارزشی برای آن تدوین و از آن دفاع کرد اما طراحان نظام اقتصاد تعاونی نتوانستند ضمانت‌های لازم را برای توسعه دامنه آن ارائه دهند. به همین جهت، توسعه متناسب با جایگاه خود را نیافته است. اگر تعاون‌طلبان و اتحادیه بین‌المللی تعاون بتوانند دایره نفع شخصی را آنگونه که اسلام توسعه داده، در نظر مردم توسعه دهند، با کم‌ترین هزینه‌ها به هدف‌های بزرگ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خود خواهند رسید؛

۲. نظام اقتصاد سرمایه‌داری از جهت مبانی بینشی و ارزشی و اصول و ... اصلاً با اسلام سازگار نیست اما نظام اقتصاد تعاونی با اصلاح‌هایی در برخی اصول و رفتارها، می‌تواند به‌صورت بخشی از نظام اقتصادی اسلام مورد استفاده و تأیید باشد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. آریلاستر، آنتونی، ۱۳۷۷ش، ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز، سوم.
۲. آندره، لالاند، ۱۳۷۵ش، فرهنگ علمی انتقادی فلسفه، ترجمه غلامرضا وثیق، تهران: مؤسسه انتشاراتی فردوسی ایران، اول.
۳. اتحادیه بین‌المللی تعاون، ۱۳۷۷ش، گزارش کار سی‌ویکمین کنگره اتحادیه بین‌المللی تعاون منچستر، ترجمه معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج دفتر تحقیقات، تهران: انتشارات وزارت تعاون، اول.
۴. اسمیت، لوئیس، ۱۳۴۹ش، سیر تکاملی تعاون کشاورزی، تهران: سازمان مرکزی تعاون کشور، اول.
۵. افتخاری، جواد، ۱۳۸۴ش، شرکت‌های تجاری، تهران: انتشارات ققنوس، دوم.
۶. اویل، پل روی، ۱۳۴۹ش، شرکت‌های تعاونی وضع فعلی و آینده آنها، ترجمه سازمان مرکزی تعاون کشور، تهران: سازمان مرکزی تعاون کشور، اول.
۷. باری، بوزان، ۱۳۷۸ش، مردم، دولت‌ها و هراس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، اول.
۸. بانک جهانی، ۱۹۹۵م، «گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۵»، ترجمه غلامحسین صالح‌نسب، مجله جهاد، سال ۱۵، ش ۱۸۰ و ۱۸۱.
۹. بدن، لویی، ۱۳۵۴ش، تاریخ عقاید اقتصادی، ترجمه هوشنگ نهانندی، تهران: انتشارات مروارید، دوم.
۳۹. بلوم، ویلیام تی، ۱۳۷۳ش، نظریه‌های نظام سیاسی، ترجمه احمد تدین، تهران: نشر آران، اول.
۱۰. بیو، والدن، ۱۳۷۶ش، پیروزی سیاه، ترجمه احمد سیف و کاظم فرهادی، تهران: انتشارات نقش جهان، اول.
۱۱. بازارگارد، بهاء‌الدین، ۱۳۸۲ش، تاریخ فلسفه سیاسی، ۳، تالیف و ترجمه انتشارات زوار، تهران: انتشارات زوار، پنجم.
۴۰. پالمر، رابرت روزدل، ۱۳۸۳ش، تاریخ جهان نو، ۲، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۲. پیرزانه، ۱۳۷۲ش، اخلاق، ترجمه بدرالدین کتابی، اصفهان: انتشارات اداره کل

- آموزش و پرورش استان اصفهان، اول.
۱۳. تفضلی، فریدون، ۱۳۷۵ش، تاریخ عقاید اقتصادی (از افلاطون تا دوره معاصر)، تهران: نشر نی، دوم.
۱۴. تیرل وال، ا. پ، ۱۳۷۸ش، رشد و توسعه، ترجمه منوچهر فرهنگ و فرشید مجاور حسینی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول.
۱۵. حسینی بهشتی، سید محمد، ۱۳۷۴ش، اهمیت شیوه تعاون از دیدگاه شهید مظلوم آیت الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی رحمته الله علیه، تهران: وزارت تعاون، اول.
۱۶. دویدویچ، جرج، ۱۳۴۷ش، به سوی دنیای تعاون، ترجمه سازمان مرکزی تعاون کشور، تهران: انتشارات سازمان مرکزی تعاون کشور، اول.
۱۷. راسل، برتراند، ۱۳۷۳ش، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه نجف دریابندی، تهران: کتاب پرواز، اول.
۱۸. ———، ۱۳۷۶ش، آزادی و سازمان، ترجمه علی رامین، تهران: نشر و پژوهش فرزانه، اول.
۱۹. رنانی، محسن، ۱۳۷۶ش، بازار یا نابازار، تهران: سازمان برنامه و بودجه، اول.
۲۰. روابط عمومی مجلس شورای اسلامی ایران، ۱۳۶۴ش، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۳، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، اول.
۲۱. ریچارد، هنری پاکین و آروم استرول، ۱۳۷۴ش، کلیات فلسفه، ترجمه سیدجلالدین مجتبی، تهران: انتشارات حکمت، دهم.
۲۲. زریباف، سیدمهدی، ۱۳۶۹ش، تحلیلی بر سیر شناخت و روش شناسی علم اقتصاد، (پایان نامه)، تهران: دانشکده اقتصاد و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام، اول.
۲۳. ژید، شارل و شال ژیست، ۱۳۷۰ش، تاریخ عقاید اقتصادی، ترجمه کریم سنجابی، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، اول.
۲۴. سی بی مک، فرسون، ۱۳۶۹ش، جهان حقیقی دموکراسی، ترجمه مجید مددی، تهران: نشر البرز، اول.
۲۵. شارون، جوئل، ۱۳۷۹ش، ده پرسش از دیدگاه جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۲۶. صدر، سید محمد باقر، ۱۴۱۳ق، فلسفتنا، دراسة موضوعة فی معترك الصراع الفکری القائم، تهران: دارالتعارف للمطبوعات، اول.

۲۷. طالب، مهدی، ۱۳۷۶ش، اصول و اندیشه‌های تعاونی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، اول.
۲۸. فروم، اریک، ۱۳۸۵ش، جامعه سالم، ترجمه اکبر تبریزی، تهران: انتشارات بهجت، چهارم.
۲۹. قدیری اصلی، باقر، ۱۳۳۸ش، سیر اندیشه‌های اقتصادی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، هشتم.
۳۰. کاپلستون، فردریک، ۱۳۷۵ش، تاریخ فلسفه (فیلسوفان انگلیسی)، ۵، ترجمه امیرجلال‌الدین اعلم، تهران: انتشارات سروش، سوم.
۳۱. کاسیرر، ارنست، ۱۳۷۴ش، فلسفه روشنگری، ترجمه یدالله موقن، تهران: خوارزمی، اول.
۳۲. کالن، هوراس، ۱۳۵۰ش، نشیب و فراز قدرت مصرف‌کننده، ۲، ترجمه و انتشار سازمان مرکزی تعاون کشور، تهران: سازمان مرکزی تعاون کشور، اول.
۳۳. ماکارو، دیوید، ۱۳۷۸ش، رفاه اجتماعی (ساختار و عملکرد)، ترجمه محمدتقی جغتایی و فریده همتی، تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، اول.
۴۱. موحد، محمدعلی، ۱۳۸۱ش، در هوای حق و عدالت (از حقوق طبیعی تا حقوق بشر)، تهران: نشر کارنامه، اول.
۳۴. نظام‌شهییدی، مهران‌دخت و رسول‌علی‌زاده‌اقدام، ۱۳۷۸ش، اصول مدیریت تعاونی‌ها، تهران: انتشارات لادن، اول.
۳۵. نمازی، حسین، ۱۳۸۲ش، نظام‌های اقتصادی، تهران: شرکت سهامی انتشارات، اول.
۳۶. هرینگتن، مایکل، ۱۳۵۶ش، آمریکای دیگر: فقر در ایالات متحده، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: انتشارات خوارزمی، دوم.
۳۷. هلم، فرانس، ۱۳۴۹ش، اقتصاد مؤسسات تعاونی، ترجمه سازمان مرکزی تعاون کشور، تهران: سازمان مرکزی تعاون کشور، اول.
۳۸. وزارت تعاون و امور روستاها، ۱۳۵۲ش، «مجموعه گفتارهای تعاونی، وزارت تعاون و امور روستاها»، نشریه ۸۵، تهران: انتشارات وزارت تعاون و امور روستاها.
۳۹. ولنکستر، لین، ۱۳۵۸ش، خداوندان اندیشه سیاسی، ۳، ترجمه علی رامین، تهران: امیرکبیر، اول.
۴۰. یوسفی، احمدعلی، ۱۳۸۶ش، نظام اقتصاد علوی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول.

41. Comparative Economic Systems.

42. Gordon, David, **Eradicating Poverty in the 21st Century: When will Social Justice be done?**.